



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عرب

عنوان:

بررسی طبیعت در شعر شاعران الرابطة القلمیه

پژوهشگر:

سهیلا محمودی

استاد راهنما:

دکتر محمد رضا عزیزی پور

استاد مشاور:

دکتر عبدالله رسول نژاد

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادبیات عرب گرایش زبان و ادبیات

تیر ماه ۱۳۸۹

کلیه حقوق مادی و معنوی مترتب بر نتایج مطالعات،

ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع

این پایان نامه (رساله) متعلق به دانشگاه کردستان است.

*** تعهد نامه ***

اینجانب سهیلا محمودی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته ادبیات عرب گرایش زبان و ادبیات دانشگاه کردستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی گروه زبان و ادبیات عربی تعهد می نمایم که محتوای این پایان نامه نتیجه تلاش و تحقیقات خود بوده و از جایی کپی برداری نشده و به پایان رسانیدن آن نتیجه تلاش و مطالعات مستمر اینجانب و راهنمایی و مشاوره اساتید بوده است.

با تقدیم احترام

سهیلا محمودی

۱۳۸۹ / ۴ / ۱۳



دانشگاه کردستان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات عرب گرایش زبان و ادبیات

عنوان:

بررسی طبیعت در شعر شاعران الرباطه القلمیه

پژوهشگر:

سهیلا محمودی

در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۱۳ توسط کمیته تخصصی و هیات داوران زیر مورد بررسی قرار گرفت و با نمره ۱۹ و درجه عالییه تصویب رسید.

<u>امضاء</u>	<u>مرتبه علمی</u>	<u>نام و نام خانوادگی</u>	<u>هیات داوران</u>
	استادیار	دکتر	۱- استاد راهنما
	استادیار	دکتر	۲- استاد مشاور
	استادیار	دکتر	۳- استاد داور خارجی
	استادیار	دکتر	۴- استاد داور داخلی

مهر و امضاء معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی

مهر و امضاء گروه

دانشکده

این اثر ناقابل را تقدیم می کنم به:

پدر و مادر عزیزم که همواره بودنشان مایه ی دل گرمی زندگی ام بوده و در طول دوران تحصیل، پشتیبانم بوده اند.

و همچنین،

استاد بزرگوارم، جناب آقای دکتر محمد رضا عزیزی پور که کاستی هایم را دید و دلسوزانه و با صبر و هوصله یاری ام داد،

امیدوارم بتوانم حتی گوته ی کوچکی از زحمات این عزیزان را جبران کنم.

تشکر و قدردانی:

با تشکر از زحمات بی دریغ استاد راهنما، جناب آقای دکتر محمد رضا عزیزی پور و استاد مشاور جناب آقای دکتر عبدالله رسول نژاد که در این پژوهش یاری ام دادند. و همچنین ضمن تشکر و قدردانی از تمامی اساتید گروه ادبیات عرب و همچنین کارکنان محترم دانشگاه کردستان که موجبات تعالی دانشجویان این دانشگاه را فراهم می آورند، خصوصاً جناب آقای دکتر صادق فتحی دهکردی و جناب آقای دکتر جمیل جعفری.

همچنین بر خود لازم می دانم از دوستان عزیزم در دانشگاه کردستان تقدیر و تشکر کنم، چرا که بودن در کنار آنها شوق آموختن را در من دوچندان می کرد و هیچگاه آنها را از یاد نخواهم برد، خانم ها، مریم نصرتی سرایدشتی، مرضیه مولوی قلعه نی، برگل محمودی فر و چنور مرادی.

چکیده

گروهی از ادبای لبنانی و سوری در اوائل قرن بیستم در پی شرایط سخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی وطن، راه مهاجرت به غرب را در پیش گرفتند. ادبیات دسته ای از این مهاجران که به ایالات متحده ی آمریکا مهاجرت کرده بودند، به ادبیات مهجر شمالی معروف گشت که در سال ۱۹۲۰ میلادی گروهی از آنان جماعتی با نام رابطه القلمیه را تشکیل دادند. این جماعت با الهام از ادبیات آمریکا و در پی مطالعاتی که بر روی آثار شعرا و ادبای غرب و شرق داشتند، برای بیان و انتقال افکار و اعتقادات خویش شیوه ای رمانتیکی در پیش گرفتند. آنها در واقع به دنبال تغییر و تحول در ادبیات کلاسیکی و سنتی ای بودند که جوابگوی تمامی خواسته هایشان نبود.

از مهمترین موضوعاتی که در اشعار این شاعران به آن توجهی خاص شده است، طبیعت است که وسیع ترین جایگاه را در میان اشعار آنها دارد. توجه بسیار این دسته از شاعران به طبیعت در درجه ی نخست به دلیل علاقه ی بسیار زیاد آنها به طبیعت بود. اما در کنار این علاقه، گرایش های رمانتیکی و طبیعت زیبای وطن و یادآوری آن در ذهن و جان این شاعران به این توجه می افزود. دلیل مهم دیگری که شاعران رابطه القلمیه طبیعت را به عنوان کعبه ی آمال خویش برگزیدند، جامعه گریزی آنان بود. زیرا قید و بند ها و معایبی را که در جامعه می دیدند آنها را بیش از پیش به سمت آرامش و سادگی ای می کشاند که فقط در آغوش طبیعت آنها می یافتند.

شاعران رابطه القلمیه بر خلاف سنت رایج در ادبیات عرب، موضوع طبیعت را به عنوان یکی از اغراض شعری برگزیدند و بیشتر آنها آنرا محلی برای تأمل و ژرف اندیشی و جایگاهی برای تجلی ذات الهی می دانستند و در سایه ی این اعتقاد نظریه ی وحدت وجود را در تمامی پدیده های آن متجلی می ساختند. به دنبال این اعتقاد نظریه ی تناسخ نیز بیش از پیش در آثار آنها نمود می یافت. آنان در این مسیر به طبیعت شخصیت می بخشیدند و همواره از انسان ها می خواستند در اعمال و رفتار خویش از طبیعت بیاموزند.

از میان پدیده های گوناگون طبیعت، جنگل در بسیاری از آثار این دسته از شاعران از محبوبیت خاصی برخوردار است. دیدگاه آنها به جنگل و سایر پدیده های طبیعت با دیدگاه شاعران کلاسیک بسیار متفاوت است و به کنه و عمق این پدیده ها بیشتر از ظاهرشان توجه نشان می دهند. به همین خاطر، هم ظاهر و هم باطن این اشعار با اشعار شاعران قدیم در مورد طبیعت تفاوت های بسیاری دارد که آنها را از دیگران متمایز می گرداند و بیشتر آنها را در جایگاهی قرار می دهد که جزء تأثیر گذارترین شاعران معاصر عرب به شمار آیند.

کلمات کلیدی

شعر، مهجر، رابطه القلمیه، طبیعت

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱.....	مقدمه.....
	فصل اول - تجلی طبیعت در شعر عرب
۷.....	۱-۱- تعریف شعر طبیعت.....
۸.....	۱-۲- تاریخچه ای از طبیعت در شعر عرب.....
۸.....	۱-۲-۱- شعر طبیعت نزد شاعران جاهلی.....
۱۰.....	۱-۲-۲- طبیعت در شعر صدر اسلام.....
۱۲.....	۱-۲-۳- طبیعت در شعر دوره ی اموی.....
۱۳.....	۱-۲-۴- طبیعت در شعر دوره ی عباسی.....
۱۵.....	۱-۲-۵- طبیعت در شعر دوره ی اندلس.....
۱۶.....	۱-۲-۶- طبیعت در شعر دوره ی انحطاط.....
۱۷.....	۱-۲-۷- طبیعت در شعر دوره ی معاصر.....
۱۸.....	۱-۷-۲-۱- طبیعت نزد شاعران کلاسیک.....
۲۱.....	۲-۷-۲-۱- طبیعت نزد شاعران رمانتیک.....
۲۳.....	۱-۲-۷-۲-۱- طبیعت نزد شاعران جماعت دیوان.....
۲۴.....	۱-۲-۷-۲-۲- طبیعت نزد شاعران جماعت آپولو.....
۲۵.....	۱-۲-۷-۳-۲-۱- طبیعت نزد شاعران مهجر.....
	فصل دوم: بررسی طبیعت در شعر مهجر
۲۸.....	۱-۲- ادبیات مهجر.....
۳۰.....	۱-۱-۲- الرابطة القلمیه.....
۳۱.....	۲-۱-۲- العصبه الأندلسیه.....
۳۲.....	۲-۲- طبیعت در شعر مهجر.....
۴۲.....	۱-۲-۲- درون مایه های عمده ی طبیعت در شعر مهجر.....
۴۲.....	۱-۲-۲-۱- تشخیص.....
۴۳.....	۲-۱-۲-۲- وحدت وجود.....
۴۵.....	۲-۱-۲-۳- تناسخ.....

- ۴۶.....سمبولیسم و رمزگرایی.....۲-۲-۱-۴
- ۴۷.....پدیده های عمده ی طبیعت در شعر مهجر.....۲-۲-۲-۲
- ۴۷.....جنگل.....۲-۲-۱-۲
- ۴۹.....دریا.....۲-۲-۲-۲
- ۴۹.....فصول سال.....۲-۲-۳-۲
- ۵۲.....اشتیاق به طبیعت وطن.....۲-۲-۴-۲
- ۵۵.....عصرگاهان.....۲-۲-۵-۲
- ۵۵.....شب.....۲-۲-۶-۲
- ۵۷.....شهر و روستا.....۲-۲-۷-۲

فصل سوم: بررسی و تحلیل طبیعت در شعر شاعران الرابطه القلمیه

- ۶۰.....۱-۳-۱-۱ ایلیا ابو ماضی.....
- ۶۰.....۱-۳-۱-۱ درون مایه های شعر طبیعت نزد ابو ماضی.....
- ۶۰.....۱-۳-۱-۱ عشق به طبیعت.....
- ۶۵.....۱-۳-۱-۲ دعوت به تأمل در طبیعت.....
- ۶۸.....۱-۳-۱-۳ تناسخ و بیان اعتقاد به مرگ در قالب طبیعت.....
- ۶۹.....۱-۳-۱-۴ وحدت وجود.....
- ۷۱.....۱-۳-۱-۵ خوشبینی و تفاؤل به طبیعت.....
- ۷۴.....۱-۳-۱-۶ الهام از طبیعت در فضایل اخلاقی.....
- ۸۰.....۱-۳-۲-۱ پدیده های عمده ی طبیعت در شعر ابو ماضی.....
- ۸۰.....۱-۳-۲-۱ جنگل و بیابان.....
- ۸۷.....۱-۳-۲-۲ دریا.....
- ۸۹.....۱-۳-۲-۳ برکه.....
- ۹۰.....۱-۳-۲-۴ اشتیاق به طبیعت وطن.....
- ۹۲.....۱-۳-۲-۵ طبیعت در شهرهای غربت.....
- ۹۵.....۱-۳-۲-۶ وصف وسایل طبیعت مدرن.....
- ۹۶.....۱-۳-۲-۷ توصیف طبیعت قدیم.....
- ۹۹.....۱-۳-۲-۸ شهر و روستا.....
- ۱۰۰.....۱-۳-۲-۹ اوقات شبانه روز.....
- ۱۰۰.....۱-۳-۲-۹ عصر.....
- ۱۰۳.....۱-۳-۲-۹ شب.....

- ۱۰۴.....۳-۱-۲-۱۰- حیوانات.....
- ۱۰۴.....۳-۱-۲-۱۰-۱- بلبل.....
- ۱۰۶.....۳-۱-۲-۱۰-۲- پروانه.....
- ۱۰۷.....۳-۱-۲-۱۰-۳- قورباغه.....
- ۱۰۸.....۳-۱-۲-۱۰-۴- سگ.....
- ۱۰۸.....۳-۱-۲-۱۱- شکوفه.....
- ۱۱۰.....۳-۱-۲-۱۲- انجیر.....
- ۱۱۱.....۳-۱-۲-۱۳- فصول سال.....
- ۱۱۲.....۳-۱-۲-۱۴- اشیاء بی جان.....
- ۱۱۲.....۳-۱-۲-۱۴-۱- سنگ.....
- ۱۱۳.....۳-۱-۲-۱۴-۲- خاک.....
- ۱۱۶.....۳-۲- میخائیل نعیمه.....
- ۱۱۶.....۳-۲-۱- درون مایه های عمده ی شعر طبیعت نزد نعیمه.....
- ۱۱۶.....۳-۲-۱- تأمل در طبیعت.....
- ۱۱۸.....۳-۲-۱- تشخیص.....
- ۱۱۸.....۳-۲-۱- وحدت وجود.....
- ۱۲۳.....۳-۲-۱- تناسخ.....
- ۱۲۴.....۳-۲-۲- پدیده های عمده ی طبیعت در شعر نعیمه.....
- ۱۲۴.....۳-۲-۱- جنگل.....
- ۱۲۶.....۳-۲-۲- پاییز.....
- ۱۲۸.....۳-۲-۲- دریا.....
- ۱۲۹.....۳-۲-۲- رودخانه.....
- ۱۳۲.....۳-۲-۲- اشتیاق به طبیعت وطن.....
- ۱۳۳.....۳-۲-۲- کرم.....
- ۱۳۴.....۳-۳- جبران خلیل جبران.....
- ۱۳۴.....۳-۳-۱- عشق به طبیعت.....
- ۱۳۶.....۳-۳-۲- درون مایه های عمده ی شعر طبیعت نزد جبران.....
- ۱۳۶.....۳-۳-۲-۱- تشخیص.....
- ۱۳۶.....۳-۳-۲- تناسخ.....
- ۱۳۷.....۳-۳-۲-۳- وحدت وجود.....

- ۱۳۹.....۳-۳-۳-پدیده های عمده ی طبیعت در شعر جبران.....
- ۱۳۹.....۳-۳-۱- جنگل.....
- ۱۴۶.....۳-۳-۲- دریا.....
- ۱۴۸.....۳-۳-۳- جویبار.....
- ۱۴۹.....۳-۳-۴- حیوانات.....
- ۱۵۰.....۳-۳-۵- اشتیاق به طبیعت وطن.....
- ۱۵۰.....۳-۳-۶- شهر و روستا.....
- ۱۵۱.....۳-۳-۷- شب.....
- ۱۵۲.....۳-۴-۴- رشید ایوب.....
- ۱۵۳.....۳-۴-۱- پدیده های عمده ی طبیعت در شعر رشید ایوب.....
- ۱۵۴.....۳-۴-۱- برکه.....
- ۱۵۵.....۳-۴-۲- جویبار.....
- ۱۵۵.....۳-۴-۳- بهار.....
- ۱۵۸.....۳-۴-۴- پاییز.....
- ۱۵۹.....۳-۴-۵- شب.....
- ۱۶۰.....۳-۴-۶- حیوانات.....
- ۱۶۱.....۳-۴-۷- اشتیاق به طبیعت وطن.....
- ۱۶۴.....۳-۴-۸- وصف وسایل طبیعت مدرن.....
- ۱۶۶.....۳-۵-۵- نسیب عریضه.....
- ۱۶۶.....۳-۵-۱- الهام از طبیعت در فضایل اخلاقی.....
- ۱۶۶.....۳-۵-۲- پدیده های عمده ی طبیعت در شعر عریضه.....
- ۱۶۷.....۳-۵-۱- جنگل.....
- ۱۶۷.....۳-۵-۲- دریا.....
- ۱۶۸.....۳-۵-۳- شب.....
- ۱۷۰.....۳-۵-۴- اشتیاق به طبیعت وطن.....
- ۱۷۱.....۳-۵-۲- طبیعت در شهرهای غربت.....
- ۱۷۲.....۳-۵-۶- حیوانات.....
- ۱۷۲.....۳-۶-۶- ندره حدّاد.....
- ۱۷۳.....۳-۶-۱- پدیده های عمده ی طبیعت در شعر ندره حدّاد.....
- ۱۷۳.....۳-۶-۱- جنگل.....

۱۷۴.....	۳-۶-۱-۲- پاییز.....
۱۷۶.....	۳-۶-۱-۳- اشتیاق به طبیعت وطن.....
۱۸۰.....	خاتمه.....
۱۸۶.....	موجز.....
۱۹۲.....	فهرست منابع.....
۱۹۶.....	چکیده ی انگلیسی.....

* * *

طبیعت از جمله مهمترین موضوعاتی به شمار می آید که ذهن هر بیننده ای را به خود معطوف داشته است، و این مسئله زمانی اهمیتی دوچندان می یابد که این بیننده، شاعر هم باشد. شاعران با هر نیتی که در سرودن اشعار خویش داشته باشند، خواسته یا ناخواسته، دست به دامان طبیعت می شوند و در سرودن اشعار خویش از آن مدد می جویند؛ چرا که طبیعت، همواره یار و یاور آنها بوده و هیچگاه آنها را از خود نا امید و مأیوس نمی کند. هر چند میزان توجه و اهمیت هر شاعری به طبیعت، با دیگر شاعران تفاوت های عمده ای دارد و ممکن است جایگاه آن در پاره ای اوقات، کمرنگ شود، اما هیچگاه این توجه و منزلت نزد آنان، از بین نمی رود.

در اشعار عرب، از همان دوره ی جاهلی، طبیعت یگانه الهام بخش شاعران بود، و اگر چه، جایگاه نخست را در میان اغراض شعری آنها کسب نکرد اما، یگانه پناهگاه آنان باقی ماند و در اثنای اغراض دیگر و دوشادوش آنها به سمت آینده ای حرکت می کرد که زندگی آن را در میان اشعار عرب، به صورتی مثبت تحول می بخشید، به گونه ای که در چند قرن اخیر، در میان برخی از شاعران، به اشعاری بر می خوریم که طبیعت و پدیده های گوناگون آن، موضوع اصلی اشعار آنها محسوب می گردد. این گروه از شاعران، جایگاه طبیعت را در زندگی، آنچنان والا و مقدس یافته اند که، موضوع طبیعت را به عنوان محلی برای تأمل و تعمق خویش برگزیده اند.

بیان مسئله

گروهی از ادیبان لبنانی و سوری در پی شرایط سخت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی راه مهاجرت به غرب را در پیش گرفتند. دسته ای از آنان به آمریکای شمالی رفته و به ادیبان مهاجر شمالی معروف گشتند، و گروهی دیگر نیز به آمریکای جنوبی مهاجرت کردند و نام ادیبان مهاجر جنوبی بر آنها نهاده شد. از میان ادیبان مهاجر شمالی، جماعت الرابطة القلمیه معروف تر از دیگران پا به عرصه ی ظهور نهاد. آنان تحت تأثیر شاعران و ادیبان آمریکایی و غربی و شرقی قرار گرفتند و با مطالعه ی آثار گوناگون آنان با دنیایی گسترده تر آشنا شدند. با ظهور شاعران الرابطة القلمیه در این نقطه ی دور از وطن در حقیقت، شعر معاصر عرب دوره ای دیگر از دوران تحول خویش را تجربه می نمود. تأمل و ژرف نگری خصیصه ی عمده ی اشعار بیشتر آنها به شمار می آمد. آنان از میان موضوعات گوناگون شعری، به طبیعت تمایلی متفاوت و متمایز از دیگران نشان دادند. در این میان، شعر آنها دیگر از محدوده ی حس فراتر رفته و با عرفان و تصوف در هم می آمیخت. وحدت وجود، تناسخ، تشخیص و نیز رمز گرایی پدیده ی غالب در شعر آنها به شمار می آمد. شاید بتوانیم بگوییم، آنها می بایست این تفاوت را مرهون شرایط و محیط جدیدی می دانستند که استعداد های پنهان شان را بیش از پیش شکوفا می نمود.

آنان از پدیده های گوناگون طبیعت به عنوان سرمایه های اولیه ی افکار و اعتقادات خویش بهره می جستند و از بعدی دیگر به ما طبیعتی را نشان می دادند که قبلاً آن را اینگونه ندیده بودیم (حداقل در ادبیات کلاسیک و سنتی عرب سابقه ای اینچنین نداشت).

پیشینه ی تحقیق

طبیعت از جمله موضوعاتی است که هر شاعری بدون استثنا آن را در ضمن شعر خویش می آورد. در این میان، شاعران عرب با طبیعت رابطه ای ناگسستنی دارند، و این ارتباط همزمان با تحولاتی که در ادبیات معاصر عرب و در فکر و اندیشه ی شاعران آن ایجاد شده، مسیر پر فراز و نشیبی را گذرانده است. در جریان این تحول، به شاعران فرصتی دست داد که جایگاه طبیعت را در اشعار و نوشته هایشان بیشتر از گذشته بالا ببرند و جایگاهی را به آن ببخشند که در هیچ دوره ای به این میزان نرسیده بود.

از جمله شاعرانی که به طبیعت با نگاهی متمایز می نگریستند، شاعران مکتب رمانتیسیم هستند که جماعت رابطه القلمیه نیز از آن دسته اند. آنان به دلایل خاصی، در نوع خود، بیشترین تأثیر را با اشعار و نوشته هایشان، در مخاطب خود ایجاد می نمودند.

همان طور که می دانیم مسئله ی بررسی شعر شاعران رابطه القلمیه از جمله موضوعاتی است که حجم بسیاری از کتب را به خود اختصاص داده است، اما در این میان، چون موضوع طبیعت یکی از موضوعات شعری آنها به شمار می آید، و نه موضوع اصلی، به همین خاطر، در کنار دیگر موضوعات، و نه به تنهایی، مورد پژوهش قرار گرفته است. مثلاً در کتاب *الشعر العربی فی المهجر* (۱۹۸۲) اثر احسان عباس و محمد یوسف نجم، نویسنده، صفحه ی ۷۱ تا ۸۷ کتاب خود را به موضوع جنگل در اشعار جبران، عریضه، ندره حدّاد و ابو ماضی اختصاص داده است، و از صفحه ی ۸۹ تا ۱۰۲ که به موضوع انسان پرداخته برخی از فضائل اخلاقی را در قالب طبیعت در شعر این گروه از شاعران بیان نموده است، و در صفحات ۱۱۷ تا ۱۲۹ به بررسی عشق به طبیعت و وطن در آثار این گروه از شاعران همت گماشته است. نویسنده ی دیگر، صابر عبد الدایم فصل پنجم کتاب *الأدب المهجر* (۱۹۹۳) یعنی صفحات ۴۰۹-۴۳۷ را به طبیعت و اثر آن در ایجاد تجربه ی تأملی ادبای مهاجر شمالی و جنوبی اختصاص داده است. او در این فصل، در ابتدا به بیان شعر طبیعت نزد عرب پرداخته است و در ادامه، جریان طبیعت گرایی را در آثار منظوم و منثور این گروه از مهاجران مورد بررسی قرار داده است.

نادره جمیل سراج نیز در کتاب *شعراء الرابطة القلمیه* (بی تا) در فصل سوم کتاب خود، تحت عنوان نوآوری در موضوعات، در بخش گرایش انسانی در شعر این شاعران در صفحات ۱۳۷-۱۵۹ به بیان فضایل اخلاقی در قالب طبیعت در شعر این شاعران می پردازد. در ادامه ی همین بخش است که، نویسنده به بررسی طبیعت بخصوص دریا، فصول سال و برخی پدیده های آن و بازتاب آنها در شعر این شاعران می پردازد. این نویسنده در صفحات ۱۷۳-۲۰۰ به اشتیاق شدید این شاعران به طبیعت و وطنشان نیز پرداخته است.

حسن جاد حسن نیز در کتاب **الأدب العربي في المهجر (۱۹۸۵)** در بخش الطبعه فی الأدب المهجر یعنی صفحات ۲۴۱ تا ۲۶۶ به درون مایه های تشخیص و وحدت وجود در ادبیات مهجر شمالی و جنوبی پرداخته است و به پدیده ی بهار نیز اشاراتی نموده است.

در کتاب دیگری با نام **حرکه التجدید الشعری فی المهجر** نوشته ی عبدالحکیم بلبع (۱۹۸۰) فصل دوم، صفحات ۲۰۰ تا ۲۳۲ به قضایای زندگی و هستی در قالب اشعار شاعران مهجر پرداخته شده است، که در آن در کنار دوگانگی های جبران که در زندگی غیر از جنگل یافته بود، اشاراتی نیز به مسئله ی وحدت وجود می نماید و فرار جبران را به جنگل بازگو می کند. سپس، به جنگل ابو ماضی می پردازد و نظریه ی وحدت وجود نعیمه را بیان می کند. این نویسنده، در فصل چهارم از صفحه ی ۲۷۸ تا ۲۹۸ به بیان طبیعت در اشعار مهجری ها نیز می پردازد و دلایل فرار این شاعران را به طبیعت بیان می کند و دوباره گریزی به نظریه ی وحدت وجود می زند.

در کتاب **شعر تأملی در ادبیات عربی معاصر (۱۳۸۵ش)** اثر فضل الله میر قادری، نویسنده در فصل سوم کتاب خود (ص ۱۵۴)، جلوه های تأمل در طبیعت را در شعر عربی معاصر مورد بررسی قرار می دهد، که از میان این شاعران از رشید ایوب، نسیم عریضه و ندره حداد از جماعت الرابطة القلمیه سخن به میان می آورد و برخی از اشعار تأملی آنها را بررسی می کند. این نویسنده، در فصل چهارم (ص ۳۳۳) نمایندگان بلندآوازه ی دیگری از شعر تأملی معاصر را معرفی نموده و به بررسی برخی از آثار آنها همّت می گمارد که ابو ماضی، جبران و نعیمه از آن جمله اند.

دو کتاب **شعراء المهجر الشمالي** اثر صلاح الدین الهواری (۲۰۰۹) و **أدبنا و أدباؤنا فی المهجر الأمیرکیه** اثر جورج صیدح (۱۹۵۷) نیز با وجود اینکه پرداختن به شعرای مهجر شمالی را هدف خویش قرار داده اند اما، بررسی هایی که از آثار این شاعران انجام داده، بسیار جزئی بوده و بیشتر حجم کتاب به معرفی این ادبا اختصاص یافته است.

اما اینکه بخواهیم از نگاهی دیگر به نمود طبیعت در شعر شاعران بخصوص شاعران الرابطة القلمیه پردازیم، موضوعی در نوع خود جدید می باشد که قبلاً به آن، این چنین پرداخته نشده بود. البته همان طور که پیشتر اشاره نمودیم، شعر هر کدام از این شاعران و رابطه ی آنها با طبیعت در اثنای بسیاری از پژوهش ها و از جمله کتبی که در بخش مراجع به آنها اشاره شده است، مورد بررسی قرار گرفته است، اما تحت این عنوان (بررسی طبیعت در شعر شاعران الرابطة القلمیه) و با اهداف تعیین شده در این بررسی، سابقه نداشته است.

سؤالات تحقیق:

سؤالاتی که پیش از انجام این تحقیق به ذهن خطور می کند عبارتند از:

- علل و عوامل گرایش شعرای الرابطة القلمیه به طبیعت چیست؟
- ژرف نگری شاعران الرابطة القلمیه به طبیعت چگونه بوده است؟

- نگرش شعرای رابطه القلمیه به طبیعت در مقایسه با شعرای مکتب کلاسیک چگونه بوده است؟

ضرورت انجام تحقیق

نقش مهمی که شاعران مهجر و بخصوص جمعیت رابطه القلمیه در تحوّل ادبیات معاصر عرب ایفا نمودند بر هیچ کس پوشیده نیست و نمی توان تأثیر آنها را بر دیگر شاعران عرب انکار نمود. شعر آنان از زوایای گوناگونی توجّه مخاطب را به خود جلب می کند، از جمله، آنان دیگر بر آن نگاه سنتی بین شاعر و طبیعت خط بطلان کشیدند و ما را همراه با خود به دنیایی بردند که با دنیایی که شاعران پیشین برایمان ساخته بودند، فرسنگ ها فاصله داشت. فلسفه و ایمان به خدا و موضوعات اجتماعی در اشعار آنها جایگاهی خاص داشت. آنان با تأمل و تعمق در پدیده های گوناگون طبیعت، آن را محلی برای بیان اعتقادات و افکار خویش یافتند؛ اعتقاداتی که در لباسی ظریف و زیبا از پدیده های گوناگون طبیعتی خود را نشان می داد که در مقابل دیدگان ما شاید در گذشته، هرگز خود را این چنین نشان نداده بودند. به همین خاطر، برای اینکه بتوانیم از خلال ابیات و اشعار آنها پی به تفکرات آنها ببریم، پرداختن به موضوع طبیعت و مظاهر و تجلیات آن در اشعار این گروه از شاعران ضروری به نظر می رسد. و بررسی اشعار آنها از این منظر، پلی است در جهت یافتن منظور و مقصود نهایی آنها. و این که نباید این اشعار را چون دیگر اشعار دوره های گذشته یک بعدی ببینیم چرا که طبیعت آنان همان طبیعت ملموس اطراف ما نیست بلکه در حقیقت بهانه و وسیله ای است برای ارتباط غیر مستقیم با خواننده و بیان دیدگاه های شاعر از شیوه ای غیر معمول و جدید. و هر چه بیشتر دایره ی آگاهی ما نسبت به شعر طبیعت در اشعار این شاعران بیشتر باشد بهتر می توانیم جایگاه آنان را به عنوان شاعرانی صاحب سبک و پیشگام در عرصه ی نوآوری بشناسیم.

هدف کلی از انجام تحقیق

در این تحقیق در پی بررسی طبیعت در شعر شاعران رابطه القلمیه که از جماعت های ادبی مهجر به شمار می آیند، می باشیم. شاعرانی که به نسبت دیگر شاعران معاصر خود، از نوآوری و خلاقیت خاصی برخوردار بودند.

اهداف جزئی تحقیق

عوامل گرایش و حتی نوع نگاه شاعران رابطه القلمیه به طبیعت با شاعران پیشین و حتی معاصر خود تفاوت هایی دارد، و این تفاوت زمانی خود را بیشتر نشان می دهد که در مقایسه با نگرش شاعران کلاسیک در این زمینه، قرار می گیرد. چرا که شاعران این جماعت از مهجر، طلایه داران تغییری بودند که نوید یک تحوّل بزرگ را در فکر و نگاه شاعران معاصر عرب می داد. و می توان اکثر آنها را جزء شاعرانی به حساب آورد که به طبیعت با ژرف نگری و تأمل می نگرستند، یعنی پدیده ای که در دوره های تاریخی گذشته به ندرت شاهد آن بوده ایم. به همین خاطر اهداف جزئی این پایان نامه را در سه بخش خلاصه می کنیم:

۱- علل و عوامل گرایش شعرای رابطه القلمیه به طبیعت.

۲- بررسی ژرف نگری شعرای رابطه القلمیه در طبیعت

۳- نگرش شعرای رابطه القلمیه به طبیعت در مقایسه با شعرای مکتب کلاسیک.

روش انجام تحقیق

روشی که در این میان برای یافتن جواب سؤالات ایجاد شده در ذهن محقق مناسب به نظر می رسد، روش تجزیه و تحلیل یافته های قبلی است که با استفاده از آنها، سعی در گرفتن یک نتیجه ی مناسب داریم.

از آنجا که برخی از شاعران رابطه القلمیه در شعر خود کمتر از دیگر شاعران همین جماعت، از طبیعت سخن به میان آورده اند، به همین خاطر، آثار کمتری نیز در این زمینه دارند، در نتیجه کمتر از دیگران نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته اند. به همین دلیل آثار مستندی که بتوان از آنها در جهت تحکیم یافته های خویش بکار برد، کمتر یافت می شود. مثلاً شاعری چون ابو ماضی، در این میان، بیشترین بررسی ها را به خود اختصاص داده است و این به دلیل اشعار تأملی بسیار او در مورد طبیعت می باشد. اما از شعر شاعر دیگری چون ندره حدّاد که از او فقط یک دیوان منتشر شده است، کمترین بهره را برده ایم. نکته ی بسیار مهم دیگری که نباید فراموش شود سرمایه ی اطلاعاتی و علمی محدود نسبت به برخی از شاعران، در سطح کشور، می باشد. چرا که برخی از کتاب ها و دیوان ها در دسترس قرار نمی گیرند و این مسئله، صدمه ای بزرگ به تحقیقات ایجاد شده در این زمینه وارد می کند، که گاهی نتایج به دست آمده را با تردید مواجه می نماید.

فصل اوّل این پایان نامه ، پیشینه ای از شعر طبیعت در دوره های مختلف تاریخ ادبیات عرب عرضه می کند. سیر تحوّل شعر طبیعت در این دوره ها به وضوح خود را نشان می دهد. در بخش پایانی همین فصل دورنمایی از شعر مهجر ارائه شده است که در واقع خواننده را برای یک بررسی تقریباً گسترده تر از شعر مهجر در فصل دوّم آماده می کند. فصل سوّم تجزیه و تحلیل شعر طبیعت را در میان شش نفر از شاعران جماعت رابطه القلمیه که از گروه های مهم ادبی مهجر به شمار می آیند، هدف خویش قرار داده است. در پایان این تحقیق نیز، بخش خاتمه می آید که در حقیقت، حسن ختامی است برای تمامی فصول ارائه شده.

فصل اوّل

تجلی طبیعت در شعر عرب

۱-۱- تعریف شعر طبیعت

براساس تعریف «شعری خاص تحت عنوان شعر طبیعت از اصطلاحات جدیدی است که از طریق ادبیات بیگانه وارد ادبیات عربی شده است، با علم به این که وجود آن از پایان قرن نوزدهم، فراتر نرفته است. طبیعت [در این تعریف] به معنی: هر موجود زنده ای به جز انسان: همانند پرندگان و حیوانات است، همان طور که به معنی موجود بی جان مانند گیاهان و کوه ها و دریاها و امثال آن نیز می باشد» (الساعدی، ۱۴۲۰ق: ۵۹).

با توجه به معنی طبیعت، ادبیات طبیعت به معنی تصویر مناظر طبیعی و بیان آنچه در وجود انسان برمی انگیزاند، می باشد. به ندرت امّتی را می توان یافت که ادبیات آن، خالی از شاعرانی باشد که عاشق طبیعت سرزمین خود نبوده و تحت تأثیر مناظر آن قرار نگرفته و آن را در اشعار خویش به تصویر نکشیده باشند. ادبیات عرب نیز همچون هر ادبیات دیگری، پر از شاعرانی است که در شعر خود به توصیف چیزهایی می پردازند که در محیط اطراف خویش به کمک حواس خود آنها را درک می کنند (العتیق، بی تا: ۲۸۴).

در این میان، رابطه ی شعرای عرب با طبیعت رابطه ای محکم و استوار بوده و در طول دوره های مختلف تاریخ روزی این رابطه قطع نگشته است و همیشه در زمینه های مختلف خود، مصدری از مصادر الهام و موضوعی از بزرگترین موضوعاتی بوده که جانب قابل ملاحظه ای از میراث ادبی خود را در زمینه ی شعر اشغال نموده است. به همین خاطر، وصف طبیعت در ادبیات عرب جدید نیست و در تمامی دوره های ادبی آن، وجود داشته است.

شعرا همواره و در تمامی دوره های گوناگون تاریخی، نسبت به طبیعت احساسات خاصی داشته اند؛ ولی آنان در میزان پاسخگویی به دعوت طبیعت و احساس شان نسبت به آن، با همدیگر، تفاوت دارند. پرداختن به طبیعت و توصیف مظاهر آن، از دوره ی جاهلی تا به امروز گاهی موضوع اصلی قصیده و گاهی در حاشیه ی اغراض دیگر مطرح بوده است و این مسئله به فراخور نیاز شاعران، حتی در یک دوره ی ثابت نیز، متغیر بوده است. خود توصیف طبیعت نیز، انواع گوناگونی دارد. نوع شایع آن همان وصفی است که شاعر به ذکر خصوصیات ظاهری موصوف اکتفا می نماید.

در نوعی دیگر، شاعر تلاش می کند در قالب خیال به طبیعت اطراف خود مقدراری زندگی یا برخی خصایص زندگان را بیخشد که شاعر در نوع پیشین وصف آن را نبخشیده بود. در شکلی دیگر از وصف، شاعر در طبیعتی که می بیند زندگی می کند و در آن تعمق و تأمل بسیار می نماید و مفاهیم موجود در آن را استنباط و استخراج کرده و به آنها معنی و مفهوم می بخشد. شاعر در این نوع، تأملش را به صورتی فکری انجام می دهد که از شخصیت شاعر و توجه او به زندگی و تفکراتش پرده بر می دارد. نوع دیگری از وصف طبیعت نیز وجود دارد که در آن شاعر از هر آنچه پیشتر آمد مثل تجسید و تشخیص و پوشاندن صفات زندگان بر اشیای بی جان پا فراتر می نهد و از خلال رمز، طبیعتی را به تصویر می کشد که شخصیت شاعر، یعنی خود او را در درون خویش پنهان نموده است تا اندوه و حزن هایش یا غزل و شوق هایش را در محیطی دیگر بپراکند (عبدالدایم، ۱۹۹۳: ۴۱۰-۴۱۱). هر شاعری به تناسب موقعیت خود و نیازی که می بیند، می تواند از هر کدام از انواع توصیف در شعر خود بهره برد. این در حالی است که، از نظر تاریخی هر چقدر به عقب بر می گردیم، شاعران بیشتر از توصیفات ابتدائی تر استفاده می کنند، به همین خاطر، ارتباط درونی شاعر با طبیعت و خواننده، به نسبت انواع دیگر توصیف، به حداقل خود می رسد.

۱-۲- تاریخچه ای از طبیعت در شعر عرب

شعر طبیعت مسیر پر فراز و نشیبی را طی نموده تا به این مرحله از پختگی که با آن رو به رو هستیم، رسیده است. برای بررسی دقیق تر جریان طبیعت گرایی در اشعار شاعران مهجر و بخصوص جمعیت الرابطة القلمیه، دانستن سیر تحوّل این جریان در دوره های مختلف تاریخی، واجب و ضروری به نظر می رسد، زیرا آگاهی از این تحولات ما را در درک متقابل احساس این شاعران نسبت به طبیعت، بیشتر یاری می رساند.

۱-۲-۱- شعر طبیعت نزد شاعران جاهلی

رنگ غالب بر شعر شاعران جاهلی، توصیف طبیعتی است که از هر طرف آنها را احاطه کرده است. به همین خاطر، طبیعت از همان زمان مورد توجه خاص شاعران عرب قرار داشت. توصیف طبیعت در قدیم ارتباطی محکم با محیط بدوی و بیابان و بادها و گیاه و حیوان و غیره داشت و آنها، بنا بر عادت خویش، به شرح جزئیات این طبیعت تمایل بسیاری داشتند.

از خصایص وصف جاهلی، صداقت و عدم تصنع است. شاعران این دوره، همه چیز را به صورتی واقعی عرضه می کنند و اشعار خویش را به زیور لفظی و ظرافت مصنوعی نمی آریند. شاعر چیزی را می بیند و به زبانی آن را توصیف می کند که امروزه برای ما غریب است ولی این زبان با خلقت او سازگار و برگرفته از طبیعت محیطش بوده است. او در این دوره، فرزند زمان خویش است و شعر او